

بررسی موسیقی‌های مبتذل از منظر جرم‌شناسی فرهنگی در قلمرو حقوق بین‌الملل

(پژوهشگر دوره دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارس، ایران).

شهلا ستوده (نویسنده)

Shahlasotodeh177@gmail.com

(مسئول)

(استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران).

دکتر عباسعلی اکبری

Dr.akbari@iau.ir

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۲،
صفحات ۱۵-۱

چکیده

رواج موسیقی‌های مبتذل، که عموماً در آن‌ها مفاهیمی چون خشونت، تبعیض جنسیتی، ترویج مصرف مواد مخدر و تنزل ارزش‌های فرهنگی دیده می‌شود، یکی از جلوه‌های مهم آسیب فرهنگی در جوامع مدرن است. از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، این نوع موسیقی نه تنها بازتاب‌دهنده وضعیت اجتماعی-فرهنگی است، بلکه نقش فعالی در بازتولید ناهنجاری‌ها و نابرابری‌های ساختاری ایفا می‌کند. موسیقی‌های مبتذل با استفاده از تصویرسازی‌های پرزرق‌وبرق و القائات تکرارشونده، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی جامعه‌پذیری معیوب در میان نسل جوان می‌شوند. جرم‌شناسی فرهنگی در این زمینه می‌کوشد پیوند میان رسانه، قدرت و انحراف را تحلیل کند. در سطح بین‌المللی، برخورد با آثار هنری مبتذل در چارچوب‌های مشخص حقوق بشری قابل بررسی است. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر آزادی بیان تأکید دارد، اما در ماده ۲۰ همان سند، تحریک به نفرت و خشونت ممنوع اعلام شده است. همچنین ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر لزوم رعایت اخلاق عمومی در بهره‌مندی از آزادی‌ها تأکید می‌کند. از این منظر، دولت‌ها می‌توانند در مواردی که موسیقی مبتذل به نقض صریح ارزش‌های عمومی و تحریک به خشونت یا تبعیض منتهی شود، محدودیت‌هایی مشروع و قانونی اعمال نمایند. این مقاله با تلفیق تحلیل جرم‌شناسی فرهنگی و بررسی موازین بین‌المللی، به ارزیابی حدود مشروع مقابله با موسیقی مبتذل می‌پردازد.

موسیقی مبتذل، جرم‌شناسی فرهنگی، حقوق بین‌الملل، آزادی بیان، میثاق بین‌المللی حقوق

واژگان کلیدی: مدنی و سیاسی، سانسور هنری

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 22

Pages 1-15

An examination of vulgar music from the perspective of cultural criminology in the realm of international law

Shahla Sotoudeh (Researcher, PhD in International Law, Islamic Azad University, Aras Branch, Iran).
(Responsible Author) Shahlasotodeh177@gmail.com
Dr. Abbasali Akbari (Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Tabriz, Iran).
Dr.akbari@iau.ir

Abstract

The prevalence of vulgar music, which generally includes concepts such as violence, gender discrimination, promotion of drug use, and degradation of cultural values, is one of the important manifestations of cultural harm in modern societies. From the perspective of cultural criminology, this type of music not only reflects the socio-cultural situation, but also plays an active role in reproducing structural anomalies and inequalities. Vulgar music, using flashy imagery and repetitive insinuations, pave the way for the formation of a type of defective socialization among the younger generation. Cultural criminology in this field attempts to analyze the link between media, power, and deviance. At the international level, dealing with vulgar works of art can be examined within specific human rights frameworks. Article 19 of the International Covenant on Civil and Political Rights emphasizes freedom of expression, but Article 20 of the same document prohibits incitement to hatred and violence. Article 29 of the Universal Declaration of Human Rights also emphasizes the need to respect public morality in the enjoyment of freedoms. From this perspective, governments can impose legitimate and legal restrictions in cases where vulgar music clearly violates public values and incites violence or discrimination. This article, by combining the analysis of cultural criminology and the examination of international standards, assesses the legitimate limits of combating vulgar music.

Keywords: Vulgar music, cultural criminology, international law, freedom of expression, International Covenant on Civil and Political Rights, artistic censorship

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

۱- تعاریف و تاریخچه

در این قسمت به توضیح مختصری از تعریف جرم شناسی فرهنگی و تاریخچه آن می‌پردازیم.

۱-۱- جرم‌شناسی فرهنگی: مفاهیم، اهداف و روش‌شناسی

جرم‌شناسی فرهنگی از لحاظ لغوی ترکیبی است از دو واژه «جرم‌شناسی»^۱ به معنای مطالعه علمی جرم، بزهکار و واکنش اجتماعی نسبت به آن، و «فرهنگ»^۲ به معنای مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، نمادها و رفتارهایی که در یک جامعه تولید و بازتولید می‌شود. به‌طور اصطلاحی، جرم‌شناسی فرهنگی^۳ از جرم‌شناسی انتقادی است که به مطالعه‌ی پدیده‌های مجرمانه در بستر فرهنگی و نمادین آن‌ها می‌پردازد. این رویکرد به جای تمرکز صرف بر قوانین حقوقی یا ساختارهای اجتماعی، بر معناها، تصاویر، هیجانات و روایت‌هایی تمرکز دارد که پیرامون جرم و انحراف شکل می‌گیرند. هدف اصلی جرم‌شناسی فرهنگی، درک چگونگی تولید، بازنمایی و تجربه‌ی جرم و کنترل اجتماعی در قالب‌های فرهنگی مانند موسیقی، سینما، هنر خیابانی، رسانه‌ها و فضاهای شهری است. این رشته تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه قدرت، مقاومت، لذت، خشم یا طغیان از طریق نمادهای فرهنگی به صورت جرم یا انحراف رمزگذاری می‌شوند. از نظر روش‌شناسی، جرم‌شناسی فرهنگی عمدتاً از روش‌های کیفی مانند قوم‌نگاری، تحلیل گفتمان، تحلیل

با گسترش رسانه‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال، موسیقی به یکی از تأثیرگذارترین ابزارهای فرهنگی در شکل‌دهی به سبک زندگی، ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی بدل شده است. در این میان، نوعی از موسیقی موسوم به «موسیقی مبتذل» که مملو از مضامین خشونت‌آمیز، جنسیت‌زده، ترویج مصرف‌گرایی، مواد مخدر و تخریب ساختارهای اخلاقی است، به شکلی گسترده در میان نسل جوان رواج یافته است. این موسیقی‌ها نه تنها سرگرم‌کننده نیستند، بلکه با ایجاد نوعی هنجارشکنی زیباشناسانه و فرهنگی، بستر بروز ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند. از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، موسیقی مبتذل ابزاری برای بازتولید سلطه، نابرابری و بی‌هنجاری تلقی می‌شود که پیوندی تنگاتنگ با ساختارهای قدرت و نظام رسانه‌ای دارد. در سطح بین‌المللی، هرچند آزادی بیان به‌عنوان یک حق بنیادین در اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده، اما این آزادی مطلق نیست و در مواردی مانند تحریک به خشونت، نفرت‌پراکنی یا آسیب به اخلاق عمومی می‌تواند محدود گردد. چالش اصلی در این زمینه، یافتن مرز میان آزادی هنری و مسئولیت اجتماعی در تولیدات فرهنگی است. در این مقاله سعی می‌شود با رویکردی میان‌رشته‌ای، از دریچه جرم‌شناسی فرهنگی و حقوق بین‌المللی، به تحلیل پدیده موسیقی مبتذل پرداخته و حدود مداخلات مشروع دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در مواجهه با این نوع موسیقی بررسی گردد.

³ -- Cultural Criminology

¹ - Criminology

² - Culture

در بستر مناسبات قدرت، رسانه و مصرف‌گرایی شکل می‌گیرد و آثار مخرب اجتماعی گسترده‌ای دارد. این نوع موسیقی با بهره‌گیری از مضامین جنسی، خشونت، تبعیض جنسیتی و مصرف‌گرایی افراطی، نوعی جامعه‌پذیری منحرف را در میان مخاطبان، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، ایجاد می‌کند. در واقع، موسیقی مبتذل با بازتولید کلیشه‌های جنسیتی و طبقاتی، به بی‌هنجاری فرهنگی دامن زده و نظم نمادین ناعادلانه‌ای را تقویت می‌کند که در آن لذت، قدرت و سلطه به ارزش‌های غالب تبدیل می‌شوند. جرم‌شناسی فرهنگی در این زمینه می‌کوشد تا نشان دهد که این نوع موسیقی چگونه به ابزار مشروع‌سازی ناهنجاری‌های اجتماعی بدل شده و به‌طور پنهان در خدمت ساختارهای سلطه فرهنگی و اقتصادی قرار می‌گیرد. در این قسمت به توضیح کامل آن پرداخته می‌شود.

۲-۱- نقش موسیقی مبتذل در بازتولید نابرابری‌های

جنسیتی، طبقاتی و نژادی

در فضای فرهنگی امروز، به‌ویژه در رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های پخش موسیقی، نوعی از موسیقی رایج شده که با بهره‌گیری از تصاویر اغواگر، زبان جنسی آشکار و تجلیل از سلطه‌گری مردانه، نابرابری‌های جنسیتی را به‌شدت بازتولید می‌کند. در بسیاری از آثار موسیقی پاپ و رپ، زنان نه به‌عنوان انسان‌هایی مستقل و دارای عاملیت، بلکه به‌عنوان ابژه‌های جنسی برای رضایت مردان نمایش داده می‌شوند. این بازنمایی‌های تکرارشونده، هم در سطح روانی و هم اجتماعی، موجب درونی‌سازی نقش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی در نسل جوان می‌شود و دیدگاه مردسالارانه‌ای را بازتولید می‌کند که با اصول برابری و کرامت انسانی در تضاد است. این روند در عصر پسا‌فمینیسم، که به‌ظاهر داعیه آزادی زن را دارد اما در

نشانه‌شناختی و مشاهده مشارکتی استفاده می‌کند تا به فهم عمیق‌تری از رابطه میان فرهنگ، معنا و جرم دست یابد. به همین دلیل، این حوزه درک جرم را نه به‌عنوان یک واقعیت صرف حقوقی، بلکه به‌مثابه یک پدیده فرهنگی و نمادین در متن جامعه تحلیل می‌کند (محمدی، اقبال، ۱۳۹۲: ص ۵).

۲-۱- تاریخچه جرم‌شناسی فرهنگی

جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان یک رویکرد انتقادی و میان‌رشته‌ای، در دهه ۱۳۷۰ شمسی (۱۹۹۰ میلادی) شکل گرفت و پاسخی بود به ناتوانی نظریه‌های کلاسیک و اثبات‌گرا در تبیین ابعاد نمادین، احساسی و فرهنگی بزهکاری. این رویکرد ابتدا در فضای دانشگاهی ایالات متحده و بریتانیا ظهور یافت و بر پایه‌ی مطالعات میدانی و کیفی درباره خرده‌فرهنگ‌های شهری، هنر خیابانی، رسانه‌ها و سبک‌های زندگی شکل گرفت. جرم‌شناسی فرهنگی تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه اعمالی که از نظر حقوقی مجرمانه تلقی می‌شوند، اغلب ریشه در تعارض‌های فرهنگی، معناهای اجتماعی و واکنش به نظم نمادین قدرت دارند. به‌تدریج، با انتشار آثار نظری و پژوهشی در این حوزه، جرم‌شناسی فرهنگی به یکی از شاخه‌های مهم جرم‌شناسی انتقادی تبدیل شد که از مرزهای تحلیل صرفاً حقوقی فراتر رفته و به بررسی جرم به‌مثابه پدیده‌ای فرهنگی، زیباشناختی و اجتماعی می‌پردازد (آقائی، سارا، ۱۳۹۶: ص ۴).

۲- بررسی آسیب‌شناسانه موسیقی مبتذل از منظر

جرم‌شناسی فرهنگی

موسیقی مبتذل از منظر جرم‌شناسی فرهنگی نه صرفاً یک محصول هنری سطح پایین، بلکه پدیده‌ای فرهنگی است که

تنها به عنوان ابزاری برای لذت معرفی می‌شود؛ همچنین برتری مالی و مصرف‌گرایی افراطی به عنوان شاخص موفقیت و منزلت اجتماعی ترویج می‌گردد. این بازنمایی‌ها، از منظر حقوقی، با اصول برابری، منع تبعیض و کرامت انسانی که در اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده، در تعارض بوده و مصداق نقض هنجارهای بنیادین حقوق بشر محسوب می‌شوند.

۲-۲- ترویج خشونت، مواد مخدر و فساد در قالب موسیقی عامه‌پسند

موسیقی عامه‌پسند در سال‌های اخیر به بستری برای ترویج خشونت، فساد اخلاقی و مصرف مواد مخدر تبدیل شده است؛ امری که از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی فرهنگی نگران‌کننده است. در بسیاری از ترانه‌ها، مفاهیمی چون «قدرت از طریق خشونت»، «ارزشمندی از طریق مصرف مواد مخدر»، و «آزادی در بی‌قیدی جنسی» ترویج می‌شوند که نقش مهمی در عادی‌سازی ناهنجاری‌ها دارند. از منظر حقوق داخلی ایران، ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) صراحتاً انتشار و توزیع آثار سمعی و بصری «مخل عفت عمومی» را جرم دانسته و مجازات حبس و جزای نقدی برای آن مقرر کرده است. همچنین، ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحی ۱۳۸۹) هرگونه تبلیغ مستقیم یا غیرمستقیم برای مواد مخدر و روان‌گردان‌ها را جرم‌انگاری کرده است. در سطح بین‌المللی نیز، ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

عمل او را به کالای رسانه‌ای فروکاسته، شکل پیچیده‌تری به خود گرفته است (میرشمس و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۳۲-۱۳۰).

از سوی دیگر، موسیقی مبتذل در بسیاری از موارد به ترویج شکاف‌های طبقاتی و نژادی نیز دامن می‌زند. تأکید بر تجمل‌گرایی، نمایش ثروت افراطی، مصرف مواد مخدر گران‌قیمت، و تحقیر طبقات پایین‌تر، پیام‌هایی است که به‌ویژه در موسیقی‌های عامه‌پسند برخی کشورهای غربی و حتی الگوبرداری‌های داخلی در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود. این نوع موسیقی نوعی نابرابری فرهنگی را بازتولید می‌کند که در آن موفقیت با پول، بدن، جذابیت ظاهری و خشونت تعریف می‌شود، نه با تلاش یا خلاقیت. همچنین در برخی موسیقی‌ها، استفاده از کلیشه‌های نژادی، به‌ویژه در بازنمایی سیاه‌پوستان یا مهاجران، به بازتولید انگاره‌های تبعیض‌آمیز و تثبیت موقعیت‌های فرودست منجر می‌شود. در مجموع، موسیقی مبتذل نه تنها سرگرمی بی‌ضرر نیست، بلکه به یکی از ابزارهای پنهان سلطه فرهنگی در دوران سرمایه‌داری متأخر تبدیل شده است.

ایضاً، از دیدگاه نگارنده، موسیقی‌های مبتذل به‌طور مستقیم در تقویت و بازتولید نابرابری‌های جنسیتی، نژادی و طبقاتی نقش دارند. این نوع موسیقی‌ها با ارائه مضامین تحقیرآمیز نسبت به زنان، اقلیت‌های قومی و طبقات فرودست، مفاهیم تبعیض‌آمیز را در قالبی هنری و جذاب نهادینه می‌کنند. در بسیاری از این آثار، زن فاقد شخصیت مستقل و

دولت‌ها در حمایت از امنیت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های فرهنگی قرار دارد.

۲-۳- مخاطب‌سازی و تأثیرات روانی-فرهنگی موسیقی مبتذل بر نوجوانان و جوانان

موسیقی مبتذل با بهره‌گیری از مضامین تحریک‌آمیز، ریتم‌های پرانرژی و جلوه‌های بصری اغواگر، به‌ویژه نوجوانان و جوانان را به‌عنوان مخاطبان اصلی خود هدف قرار می‌دهد و از این طریق نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی و روانی آنان ایفا می‌کند. در این نوع موسیقی، ارزش‌هایی چون مصرف‌گرایی افراطی، فردگرایی افراطی، خشونت، روابط جنسی سطحی و طغیان علیه نظم اجتماعی، به‌عنوان الگوهای رفتاری مطلوب بازنمایی می‌شوند. این بازنمایی‌ها با توجه به تأثیرپذیری بالای نسل جوان، منجر به شکل‌گیری نوعی گسست ارزشی، تضعیف هویت جمعی، افت تحصیلی، گرایش به رفتارهای پرخطر و کاهش حساسیت اخلاقی می‌شوند. از منظر روان‌شناسی رشد و جامعه‌شناسی فرهنگی، نوجوانان در دوره‌ای قرار دارند که پذیرای الگوهای رسانه‌ای و موسیقایی هستند، و موسیقی مبتذل از این فرصت استفاده کرده و با برانگیختن هیجانات زودگذر، به بازتولید هنجارگریزی و بی‌ثباتی هویتی در آن‌ها دامن می‌زند (همان منبع، ص ۱۸).

هرگونه تبلیغ برای خشونت، نفرت‌پراکنی و تحریک به جنگ را ممنوع اعلام می‌کند. علاوه بر آن، کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و مواد روان‌گردان، کشورها را موظف به پیشگیری از ترویج مصرف مواد مخدر در رسانه‌ها، از جمله موسیقی، می‌نماید. بنابراین، تولید و پخش موسیقی‌هایی با محتوای خشونت‌آمیز و مروج فساد یا مواد مخدر، نه تنها در تعارض با هنجارهای اخلاقی است، بلکه در مواردی مصداق نقض صریح قوانین کیفری داخلی و الزامات حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۴۰۲: ص ۱۵).

موسیقی عامه‌پسند مبتذل، به‌ویژه آن دسته که با مضامینی چون خشونت، ترویج مصرف مواد مخدر و بی‌اخلاقی همراه است، در عمل بستری فرهنگی برای عادی‌سازی و نهادینه‌سازی رفتارهای ضد اجتماعی فراهم می‌کند. این نوع موسیقی، به واسطه جذابیت‌های صوری و گستره نفوذ رسانه‌ای، بر ذهن مخاطب، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، تأثیرگذاری مستقیم دارد و نوعی مشروعیت فرهنگی برای کنش‌هایی فراهم می‌آورد که در بسیاری از نظام‌های حقوقی به‌عنوان رفتارهای مجرمانه شناخته می‌شوند. از منظر حقوقی، چنین محتوایی ناقض اصول بنیادین نظم عمومی و سلامت فرهنگی جامعه است و در تقابل با مسئولیت‌های

¹ - International Covenant on Civil and Political Rights - ICCPR

همراه است، تأثیر مستقیمی بر نگرش‌ها و رفتارهای جوانان دارد. این نوع موسیقی، با تکرار مفاهیمی که در آن توهین، تحقیر و پرخاشگری نشانه‌ای از قدرت یا اصالت تلقی می‌شود، به تدریج باعث تضعیف مرزهای اخلاقی و کاهش حساسیت نسبت به رفتارهای خشونت‌آمیز در میان مخاطبان خود می‌شود. جوانانی که به‌طور پیوسته این مضامین را می‌شنوند، ممکن است زبان تند و خشونت‌آمیز را به‌عنوان شیوه‌ای معمول برای تعامل در اجتماع یا تخلیه هیجان بپذیرند و در روابط خود از آن استفاده کنند. این پدیده، علاوه بر تشدید ناسازگاری‌های اجتماعی، می‌تواند موجب ترویج الگوهای رفتاری پرخطر، تعارض با خانواده و قانون‌گریزی شود. از نگاه جرم‌شناسی فرهنگی، چنین موسیقی‌هایی نه تنها بازتابی از فرهنگ خشونت هستند، بلکه در ایجاد و تداوم آن نیز نقش فعال دارند و به جای نقد سازنده، اغلب به تشدید ناهنجاری‌های گفتاری و رفتاری در بستر جامعه منجر می‌شوند (بنائیان، الناز، ۱۴۰۱: ص ۲۵).

ایضاً اینکه، خشونت کلامی در موسیقی‌های نسل‌های جدید، به‌ویژه در ترانه‌هایی که به زبان تحقیرآمیز و توهین‌آمیز پرداخته می‌شود، تأثیرات روانی منفی زیادی بر جوانان دارد. این نوع موسیقی‌ها که اغلب با مضامین خشونت‌آمیز، انتقام‌جویانه و تضادآمیز همراه هستند، می‌توانند الگوهای رفتاری منفی در ذهن جوانان ایجاد کنند. جوانانی که در معرض چنین محتوایی قرار دارند، ممکن است با نادیده گرفتن اصول اخلاقی و اجتماعی، به‌راحتی رفتارهای خشونت‌آمیز را به‌عنوان بخشی از راه‌حل‌های مناسب برای حل مشکلات خود در نظر بگیرند. این امر می‌تواند منجر به افزایش درگیری‌های اجتماعی، پرخاشگری و حتی ارتکاب جرم در میان آن‌ها شود. علاوه بر تأثیرات فردی، خشونت کلامی در موسیقی‌های

همچنین، موسیقی‌های مبتذل و مستهجن تأثیر عمیقی بر نوجوانان و جوانان دارند، زیرا این گروه سنی به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی خاص خود، به راحتی تحت تأثیر پیام‌های فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرند. این نوع موسیقی‌ها که اغلب حاوی مضامین جنسی، خشونت‌آمیز و بی‌قیدانه هستند، می‌توانند در ذهن جوانان الگوهای رفتاری نادرست و ناهنجار ایجاد کنند. تکرار این پیام‌ها در طول زمان، می‌تواند باعث تقویت نگرش‌های غیرمسئولانه و ضد اجتماعی در نسل جوان شده و باعث کاهش حساسیت به مسائل اخلاقی و اجتماعی شود. از نظر حقوقی، چنین تأثیراتی می‌تواند تهدیدی برای سلامت روانی و اجتماعی جامعه باشد و نقش مخرب این آثار در تضعیف ساختارهای فرهنگی و تربیتی جامعه، قابل توجه است. از منظر حقوقی و مسئولیت اجتماعی، تولید و انتشار موسیقی‌های مبتذل و مستهجن می‌تواند منجر به نقض حقوق نسل جوان در دستیابی به محیطی سالم و پرورش یافتن در شرایط مناسب فرهنگی و اجتماعی شود. این نوع محتواها، با تقویت فرهنگ ضد اجتماعی و ترویج رفتارهای منفی، نه تنها بر شخصیت فردی نوجوانان و جوانان تأثیر می‌گذارند، بلکه به‌طور گسترده‌تر بر ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی جامعه تأثیر منفی می‌گذارند. بنابراین، مسئولیت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در نظارت بر محتوای فرهنگی و هنری برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از چنین موسیقی‌هایی، امری ضروری است.

۲-۴- خشونت کلامی در موسیقی‌های مبتذل و تأثیرات آن بر الگوهای رفتاری جوانان

خشونت کلامی در موسیقی‌های مبتذل، که اغلب با استفاده از واژه‌های تحقیرآمیز، فحاشی، تهدید و زبان تند

نوعی هویت مصرف‌زده، سطحی و ناپایدار ایجاد کند. پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که تکرار این مضامین در محصولات فرهنگی، به مرور باعث تغییر در سبک زندگی، الگوی پوشش، نوع گفتار و حتی آرمان‌های اجتماعی نسل جدید می‌شود؛ تغییری که اغلب با نوعی از خودبیگانگی فرهنگی و کاهش انسجام اجتماعی همراه است.

این فرآیند، اگرچه تدریجی است، اما در بلندمدت می‌تواند ساختار فرهنگی یک جامعه را دگرگون سازد (سایت <https://ana.ir/fa/amp/news/892121>).

موسیقی مبتذل می‌تواند تأثیرات منفی چشمگیری بر هویت فرهنگی جوامع داشته باشد. این نوع موسیقی‌ها، با ترویج ارزش‌های سطحی، مصرف‌گرایی و فرهنگ بی‌قیدی، می‌توانند موجب تضعیف اصول و هنجارهای فرهنگی سنتی یک جامعه شوند. وقتی این نوع موسیقی به‌طور گسترده در دسترس قرار می‌گیرد، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی که در جامعه نهادینه شده‌اند، به حاشیه رانده می‌شوند و افراد به‌ویژه نسل جوان، تمایل بیشتری به پذیرش این نوع فرهنگ‌های وارداتی و مبتذل پیدا می‌کنند. این فرایند می‌تواند باعث شکاف و بحران هویت فرهنگی در جوامع شده و موجب از دست رفتن ریشه‌ها و میراث‌های فرهنگی شود. علاوه بر این، موسیقی مبتذل ممکن است با نادیده گرفتن مسائل اجتماعی و فرهنگی اساسی، تنها بر ظاهر و لذت‌های زودگذر تأکید کند. این تغییر در نوع نگرش می‌تواند تأثیرات منفی بر نگرش و رفتار نسل‌های آینده بگذارد و موجب کاهش توجه به اصول اخلاقی و اجتماعی و در نتیجه نهادینه شدن فرهنگ‌های بی‌پایه و سطحی در جامعه شود. از این رو، توجه به حفظ هویت فرهنگی و مقابله با تأثیرات منفی چنین موسیقی‌هایی

مبتذل می‌تواند آثار منفی گسترده‌تری بر جامعه داشته باشد. این نوع محتواها نه تنها در ذهن جوانان رفتارهای خشونت‌آمیز و ضد اجتماعی را تقویت می‌کند، بلکه می‌تواند باعث ترویج ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی در سطح وسیع‌تری نیز شود. در نتیجه، نظارت و بررسی دقیق‌تر محتوای موسیقی‌های منتشر شده و تدابیر لازم برای کاهش تأثیرات منفی آن‌ها بر نسل جوان، به‌ویژه در زمینه ارتقای فرهنگ مسالمت‌آمیز و احترام متقابل، از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳- آثار و پیامدهای موسیقی‌های مبتذل

در این قسمت به توضیح آثار و پیامدهای موسیقی‌های مبتذل می‌پردازیم.

۳-۱- موسیقی‌های مبتذل و تأثیر آن بر هویت

فرهنگی جوامع

موسیقی‌های مبتذل، به‌ویژه آن دسته که از طریق رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت در میان مخاطبان گسترده منتشر می‌شوند، تأثیر عمیقی بر هویت فرهنگی جوامع، به‌ویژه جوامع در حال گذار، بر جای می‌گذارند. این نوع موسیقی با تمرکز بر مضامینی چون فردگرایی افراطی، لذت‌گرایی، ابتذال جنسی، مصرف‌گرایی و طغیان بی‌هدف علیه نظم اجتماعی، به تضعیف ارزش‌های اصیل فرهنگی مانند خانواده، مسئولیت‌پذیری، اخلاق جمعی و سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. در جوامعی که زیرساخت‌های فرهنگی ضعیف و آموزش رسانه‌ای ناکارآمد است، موسیقی مبتذل می‌تواند نقش غالب در جامعه‌پذیری جوانان ایفا کند و به جای تقویت هویت ملی، دینی یا تاریخی،

انتشار موسیقی‌هایی که عملاً به تضعیف ساختارهای اخلاقی جامعه منجر می‌شوند، در چارچوب نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی، قابل محدودسازی و برخورد قانونی‌اند (امینیان، حسن، ۱۴۰۳: ص ۱۶).

موسیقی مبتذل به‌ویژه در نسل‌های جدید، نقش مهمی در ترویج بی‌بندوباری ایفا می‌کند. این نوع موسیقی‌ها اغلب با مضامینی چون بی‌اخلاقی، مصرف‌گرایی افراطی، خشونت و لذت‌جویی‌های بی‌حد و مرز همراه هستند. این مضامین نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی هم به‌صورت گسترده‌ای منتشر می‌شوند و باعث عادی‌سازی رفتارهای غیرقانونی و ضد اجتماعی در جامعه می‌شوند. از نظر حقوقی، ترویج چنین ارزشی در موسیقی، می‌تواند به نقض اصول بنیادین نظیر نظم عمومی، اخلاق عمومی و حفظ سلامت روانی نسل جوان منجر شود. به عبارت دیگر، این نوع موسیقی‌ها به‌طور غیرمستقیم به ترویج رفتارهای هنجارشکن و غیرمسئولانه در جامعه دامن می‌زنند و باعث ایجاد شکاف در بین نسل‌ها و تهدید برای ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. از سوی دیگر، در حقوق بین‌الملل نیز ترویج بی‌بندوباری از طریق موسیقی مبتذل می‌تواند با اصول حقوق بشر در تضاد باشد. در حالی که آزادی بیان یک حق اساسی است، این حق نباید به‌گونه‌ای باشد که موجب آسیب به سلامت عمومی، حقوق دیگران و نظم اجتماعی گردد. به‌ویژه وقتی محتوای موسیقی، همچون خشونت، بی‌اخلاقی یا ترویج مصرف مواد مخدر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم پیام‌های منفی را به نسل‌های جوان منتقل کند، این امر ممکن است مسئولیت‌های حقوقی را در سطح ملی و بین‌المللی به همراه داشته باشد. به این ترتیب، نظارت و محدودیت‌هایی برای این

به‌ویژه از سوی نهادهای فرهنگی و آموزشی، امری حیاتی است.

۳-۲- نقش موسیقی‌های مبتذل در ترویج

بی‌بندوباری و هنجارشکنی

موسیقی‌های مبتذل، با محتوایی آکنده از بی‌پروایی جنسی، عادی‌سازی روابط خارج از چارچوب خانواده، تمسخر ارزش‌های دینی و فرهنگی و ستایش سبک زندگی خارج از هنجارهای پذیرفته‌شده، به‌طور مستقیم در ترویج بی‌بندوباری و هنجارشکنی در جامعه نقش دارند. از منظر حقوقی، این نوع محتواها در تضاد با اصول بنیادین نظم عمومی و اخلاق حسنه‌اند که در نظام حقوقی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. مطابق ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات)، انتشار و اشاعه آثار صوتی و تصویری محل عفت عمومی جرم محسوب شده و برای آن مجازات تعیین گردیده است. همچنین طبق ماده ۲ قانون مطبوعات و بند ۱۰ ماده ۶ همان قانون، انتشار مطالبی که مروج فساد اخلاقی و روابط نامشروع باشد، ممنوع است. در بعد رسانه‌ای نیز، قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) در ماده ۱۴، تولید و انتشار محتوای خلاف عفت عمومی را جرم‌انگاری کرده است. این چارچوب‌ها نشان می‌دهند که قانون‌گذار نسبت به آثار روانی و اجتماعی محتوای هنری مسئولیت‌پذیر بوده و انتشار موسیقی‌هایی که مشوق بی‌بندوباری هستند، نه تنها از حیث فرهنگی، بلکه از منظر حقوقی نیز مستوجب پیگرد قانونی است. از سوی دیگر، در اسناد بین‌المللی نیز اگرچه آزادی بیان به رسمیت شناخته شده، اما مطابق بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، این آزادی در برابر حفظ اخلاق عمومی و نظم اجتماعی، با محدودیت‌های مشروع قابل تنظیم است. بنابراین،

۴- واکنش‌ها و الزامات حقوق بین‌الملل در مقابله با موسیقی مبتذل

در این بخش به واکنش‌ها و الزامات حقوق بین‌الملل در برابر موسیقی مبتذل پرداخته می‌شود. حقوق بین‌الملل، علی‌رغم حمایت از آزادی بیان، آن را در برابر تهدیدات اخلاقی و اجتماعی محدود می‌کند. طبق ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولت‌ها می‌توانند آزادی بیان را برای حفظ «اخلاق عمومی» محدود کنند. همچنین، ماده ۲۰ همین میثاق ترویج خشونت و تبعیض را ممنوع می‌کند.

۴-۱- جایگاه آزادی بیان هنری در حقوق بین‌الملل بشر

آزادی بیان هنری یکی از اصول بنیادین حقوق بشر است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی به‌ویژه در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است. این آزادی، شامل حق افراد برای بیان افکار و ایده‌ها از طریق هنر و رسانه‌های مختلف است. این اصل به هنرمندان اجازه می‌دهد تا بدون ترس از سرکوب، آثار خود را خلق و به‌اشتراک بگذارند و از این طریق زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را به چالش کشیده و بازتاب دهند. آزادی بیان هنری به‌ویژه در جوامع دموکراتیک اهمیت دارد، زیرا به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای ارتقاء آگاهی اجتماعی و تبادل اندیشه‌های مختلف عمل می‌کند (رستم پور، فخرالدین، ۱۳۹۶: ص ۱۱).

با این حال، این آزادی نباید به گونه‌ای باشد که به آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی یا اخلاقی منجر شود. در ماده ۱۹ بند ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،

نوع محتوای فرهنگی ضروری است تا از آثار منفی آن بر جامعه جلوگیری شود.

۳-۳- موسیقی‌های مبتذل و افزایش رفتارهای ناهنجار اجتماعی

موسیقی‌های مبتذل به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین انتقال پیام‌های غیرمستقیم فرهنگی، در فرآیند جامعه‌پذیری معکوس تأثیر بسزایی داشته و از منظر حقوقی در زمره عوامل محرک بروز و گسترش رفتارهای ناهنجار اجتماعی قرار می‌گیرند. این نوع موسیقی‌ها با تکرار و القای مضامینی همچون تخریب اقتدار نهاد خانواده، عادی‌سازی روابط جنسی نامشروع، تمرد علیه نظم اجتماعی و ترویج خشونت کلامی و رفتاری، بسترهای روانی و اجتماعی وقوع هنجارشکنی را تسهیل می‌کنند. بر این اساس، محتوای برخی از این تولیدات موسیقایی، نه‌تنها در تعارض با اصول اخلاق عمومی و نظم اجتماعی است، بلکه از منظر حقوق جزای عمومی، قابلیت انطباق با مصادیق مجرمانه‌ای نظیر تحریک یا ترغیب به فساد و فحشا (ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی)، تشویق به ارتکاب جرم از طریق وسایل سمعی و بصری (ماده ۷۴۵ قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات) و نشر محتوای مخل به عفت عمومی در فضای مجازی (ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای) را دارد. از منظر دکتترین حقوق کیفری، تولید یا اشاعه چنین آثاری مشمول مسئولیت کیفری مبتنی بر نظریه «تحریک غیرمستقیم» و نیز اصل پیشگیری کیفری است؛ بدین معنا که حتی بدون تحقق مستقیم بزه، نظام کیفری می‌تواند در مقام پیشگیری از تهدیدات علیه مصالح عالی اجتماعی، با مظاهر فرهنگی مروج بی‌نظمی برخورد نماید (همان منبع، ص ۱۸).

در حالی که آزادی بیان یکی از حقوق اساسی است، نباید این حق به گونه‌ای استفاده شود که موجب آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی گردد و بر ارزش‌های اساسی جامعه تأثیر منفی بگذارد.

۴-۲- امکان مداخله دولت‌ها در برابر موسیقی مبتذل: چالش میان سانسور و مسئولیت فرهنگی

مداخله دولت‌ها در برابر موسیقی مبتذل یکی از موضوعات پیچیده‌ای است که در آن مفاهیم آزادی بیان، حفاظت از اخلاق عمومی و مسئولیت فرهنگی به چالش کشیده می‌شود. از یک سو، دولت‌ها به‌عنوان حافظان نظم اجتماعی و اخلاق عمومی، می‌توانند برای محدود کردن محتوای موسیقایی که به نظر می‌رسد ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را تهدید می‌کند، اقدام کنند. این مداخله معمولاً بر اساس اصولی نظیر ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صورت می‌گیرد که به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا آزادی بیان را در جهت حفظ امنیت ملی، اخلاق عمومی و حقوق دیگران محدود کنند. دولت‌ها ممکن است به‌ویژه در مواردی که موسیقی مبتذل به ترویج خشونت، فساد اخلاقی، یا تبعیض منجر می‌شود، اقدام به سانسور یا محدودسازی آن کنند (حبیب زاده و رحمانیان، ۱۳۹۰: ص ۹۹).

از سوی دیگر، این مداخله‌ها باید با دقت انجام شوند تا از تجاوز به آزادی‌های هنری و حقوق فردی جلوگیری شود. در واقع، چالش اصلی میان سانسور و مسئولیت فرهنگی قرار دارد. در حالی که برخی معتقدند باید از انتشار محتوای مضر جلوگیری کرد، دیگران بر این باورند که سانسور بیش از حد می‌تواند آزادی‌های فردی و هنری را محدود کرده و به نقض حقوق بشر منجر شود. بنابراین، دولت‌ها باید به گونه‌ای عمل

محدودیت‌هایی برای آزادی بیان تعریف شده است که برای حفاظت از «اخلاق عمومی»، «امنیت ملی» و «حقوق دیگران» ضروری است. به عبارت دیگر، در حالی که هنرمندان باید از آزادی بیان برخوردار باشند، این آزادی نباید به تولید محتوای مضر یا بی‌حرمتی به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی منجر شود. بنابراین، با وجود حمایت از آزادی هنری، باید تعادلی میان آزادی فردی و حفظ نظم اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی برقرار شود تا از تبعات منفی آن جلوگیری شود (عمارلو، مرتضی، ۱۴۰۲: ص ۷۵).

حقوق بین‌الملل به‌طور کلی به آزادی بیان به‌عنوان یکی از حقوق بنیادی انسان‌ها اهمیت می‌دهد و این حق در بسیاری از اسناد بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به رسمیت شناخته شده است. با این حال، این آزادی بدون محدودیت نیست و باید در چارچوبی عمل کند که از حقوق دیگران و نظم عمومی جامعه محافظت نماید. به عبارت دیگر، آزادی بیان نمی‌تواند به‌طور نامحدود و بدون مسئولیت اجرا شود، به‌ویژه زمانی که محتوای ارائه‌شده ممکن است به ترویج خشونت، نفرت، یا آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شود. موسیقی‌های مبتذل که با ترویج خشونت، بی‌اخلاقی و دیگر رفتارهای ضد اجتماعی همراه هستند، می‌توانند تهدیدی جدی برای سلامت روانی و فرهنگی نسل جوان و حتی نظم عمومی جامعه باشند. به همین دلیل، حقوق بین‌الملل مداخلات محدودکننده‌ای را برای مقابله با این گونه محتواها پیش‌بینی کرده است. به‌طور مثال، در مواردی که آزادی بیان با خطرات بالقوه‌ای برای جامعه، مانند ترویج خشونت یا نفرت‌پراکنی، در تضاد باشد، می‌توان مداخلات قانونی را برای محدود کردن این نوع محتواها مورد بررسی قرار داد. بنابراین،

۵- بررسی حقوقی و راهکارهای پیشگیری

در این قسمت به بررسی حقوقی و راهکارهای پیشگیری می‌پردازیم.

۵-۱- نقش نهادهای بین‌المللی در پیشگیری از آثار

مخرب موسیقی‌های مبتذل

نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان‌های حقوق بشری و فرهنگی، نقش کلیدی در پیشگیری از آثار مخرب موسیقی‌های مبتذل ایفا می‌کنند. این نهادها با تأکید بر اصول حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، از یک سو به دنبال حمایت از آزادی‌های هنری و فرهنگی هستند و از سوی دیگر، با توجه به تهدیدات ممکن در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی، اقداماتی برای جلوگیری از انتشار محتوای مضر در رسانه‌ها انجام می‌دهند. سازمان‌هایی چون یونسکو و شورای حقوق بشر سازمان ملل به‌طور مداوم در زمینه ترویج فرهنگ و هنر با رعایت اصول اخلاقی و انسانی فعالیت می‌کنند و به دولت‌ها توصیه می‌کنند که میان آزادی هنری و مصلحت عمومی تعادل ایجاد کنند. بر اساس اسناد بین‌المللی، نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک، نهادهای بین‌المللی می‌توانند با ایجاد دستورالعمل‌ها و استانداردهای جهانی، دولت‌ها را ملزم به نظارت بر محتوای رسانه‌ها و به‌ویژه موسیقی کنند تا از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری شود. این نهادها همچنین می‌توانند در مواردی که محتوای موسیقی باعث تهدید به اخلاق عمومی، ترویج خشونت یا تبعیض می‌شود، اقدامات حمایتی و اصلاحی را از طریق پلتفرم‌های بین‌المللی یا از طریق فشارهای دیپلماتیک به دولت‌ها وارد کنند. به این ترتیب، نهادهای بین‌المللی با فراهم آوردن چارچوب‌های حقوقی و نظارتی، به دولت‌ها

کنند که ضمن حفظ احترام به حقوق فرهنگی و هنری، از آسیب‌های اجتماعی ناشی از موسیقی‌های مبتذل نیز جلوگیری کنند. این موازنه میان آزادی‌های فردی و مسئولیت فرهنگی یکی از چالش‌های پیچیده حقوقی است که نیاز به دقت و حساسیت در سیاست‌گذاری‌ها دارد.

مداخله دولت‌ها در قبال موسیقی‌های مبتذل و ترویج‌کننده محتوای مخرب، از منظر حقوقی و اجتماعی امری ضروری به‌نظر می‌رسد. دولت‌ها به‌عنوان نهادهای مسئول در حفظ نظم عمومی، سلامت روانی جامعه و ارتقاء فرهنگ عمومی، موظفند که با نظارت بر محتوای فرهنگی و هنری منتشرشده، از تأثیرات منفی آن‌ها جلوگیری کنند. این مداخله باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن رعایت آزادی‌های فردی، از آسیب‌های احتمالی که ممکن است به نسل جوان وارد شود، پیشگیری کند. به‌ویژه موسیقی‌های مبتذل که معمولاً با ترویج خشونت، بی‌اخلاقی، مصرف مواد مخدر و بی‌قیدی اجتماعی همراه هستند، می‌توانند خطرات جدی برای سلامت روانی و اجتماعی جامعه به‌دنبال داشته باشند. دولت‌ها می‌توانند از روش‌های مختلفی مانند وضع قوانین محدودکننده، ایجاد نظام‌های نظارتی بر رسانه‌ها و حتی ارزیابی و رتبه‌بندی محتوای هنری برای کاهش اثرات منفی این نوع موسیقی‌ها استفاده کنند. در برخی کشورها، قوانین مربوط به اخلاق عمومی و نظم اجتماعی ممکن است به دولت‌ها اجازه دهند که محتوای آسیب‌رسان را سانسور یا محدود کنند. این مداخلات باید در راستای حفظ توازن میان آزادی بیان و محافظت از حقوق اجتماعی و فرهنگی افراد صورت گیرد. به این ترتیب، دولت‌ها می‌توانند با تدابیر صحیح، آثار منفی موسیقی‌های مبتذل را کنترل کرده و از بروز آسیب‌های اجتماعی گسترده جلوگیری کنند.

نتیجه‌گیری

بررسی موسیقی‌های مبتذل از منظر جرم‌شناسی فرهنگی در قلمرو حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که این نوع محتوا می‌تواند به‌طور مستقیم بر نهادهای اجتماعی و فرهنگی تأثیر بگذارد و موجب ترویج رفتارهای ناهنجار و غیراخلاقی شود. موسیقی‌های مبتذل معمولاً مضامین خشونت‌آمیز، جنسی و تبعیض‌آمیز را ترویج می‌دهند که به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای اجتماعی ناپسند و نقض هنجارهای فرهنگی و اخلاقی جامعه شود. در این مقاله، ابتدا به تأثیرات منفی این نوع موسیقی‌ها بر هویت فرهنگی و اجتماعی افراد پرداخته شد و مشخص گردید که موسیقی‌های مبتذل چگونه به‌طور غیرمستقیم می‌توانند موجب تشویق به خشونت، فساد اخلاقی و شکاف‌های اجتماعی شوند. از دیدگاه حقوق جزا، جرم‌انگاری محتوای مبتذل در موسیقی‌ها از منظر آسیب‌های اجتماعی و تهدید به نظم عمومی قابل بررسی است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، محتوای مضر مانند ترویج خشونت، تبعیض یا فساد اخلاقی می‌تواند به‌عنوان یک جرم شناخته شود. در این راستا، برخی قوانین داخلی و بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اجازه می‌دهند تا دولت‌ها در جهت جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، از طریق اعمال محدودیت‌ها و نظارت‌های قانونی، اقدام کنند. این اقدامات شامل ممنوعیت محتوای مخرب و مبتذل، به‌ویژه در رسانه‌ها و موسیقی‌ها، می‌شود که هدف آن حفظ نظم اجتماعی، اخلاق عمومی و حقوق دیگران است.

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، نهادهای بین‌المللی نظیر یونسکو و شورای حقوق بشر سازمان ملل، با توجه به اصول

کمک می‌کنند تا از آثار مخرب موسیقی‌های مبتذل پیشگیری کنند و در عین حال از آزادی‌های فردی نیز محافظت نمایند.

۵-۲- نقش والدین و نظام آموزشی در کاهش

تأثیرات منفی موسیقی‌های مبتذل

والدین و نظام آموزشی هر دو نقش حیاتی در کاهش تأثیرات منفی موسیقی‌های مبتذل بر نوجوانان و جوانان دارند. والدین به‌عنوان نخستین الگوهای رفتاری و اخلاقی در زندگی کودکان، می‌توانند با هدایت صحیح فرزندان خود در انتخاب و مصرف رسانه‌ها، از جمله موسیقی، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی و اخلاقی آن‌ها ایفا کنند. والدین با نظارت بر محتوای موسیقی که فرزندان می‌شنوند و گفتگو در مورد ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی، می‌توانند به فرزندان خود کمک کنند تا از محتوای مخرب و مبتذل دوری کنند و بر درک صحیح از هنر و فرهنگ تأکید داشته باشند.

نظام آموزشی نیز می‌تواند با گنجانیدن موضوعات مرتبط با نقد رسانه‌ها و آموزش مهارت‌های فکری و فرهنگی در برنامه‌های درسی، نوجوانان را از خطرات محتوای منفی موسیقی‌ها آگاه سازد. از طریق آموزش آگاهی‌سازی فرهنگی، تشویق به تفکر انتقادی و ایجاد فضایی که در آن دانش‌آموزان بتوانند پیرامون تأثیرات مختلف رسانه‌ها، به‌ویژه موسیقی، بحث و تبادل نظر کنند، نظام آموزشی می‌تواند به‌طور مؤثری به کاهش تأثیرات منفی موسیقی‌های مبتذل کمک کند. این اقدامات از طریق شکل‌دهی به تفکر مستقل و ارزش‌های صحیح فرهنگی، می‌توانند نوجوانان را در برابر تأثیرات منفی موسیقی‌های مبتذل مقاوم کنند و به ترویج هنرهای ارزشمند و سالم کمک نمایند.

۳. ایجاد چارچوب‌های نظارتی در سطح ملی برای طبقه‌بندی و ارزیابی محتوای موسیقی و جلوگیری از پخش محتوای مضر، بر اساس اصول حقوق بشر و قوانین داخلی.

پیشنهادات اجرایی:

۱. همکاری نهادهای دولتی و بین‌المللی برای ایجاد سامانه‌های نظارتی آنلاین که بتوانند موسیقی‌های مبتذل را شناسایی و از انتشار آن‌ها جلوگیری کنند.

۲. برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها، با همکاری نهادهای فرهنگی و حقوقی داخلی و بین‌المللی، جهت آگاهی‌سازی از آسیب‌های موسیقی‌های مبتذل.

۳. ایجاد برنامه‌های هماهنگ بین کشورهای مختلف به منظور نظارت بر محتوای موسیقی در پلتفرم‌های دیجیتال و رسانه‌های بین‌المللی برای رعایت استانداردهای اخلاقی و فرهنگی.

پیشنهادات کاربردی:

۱. طراحی و پیاده‌سازی پلتفرم‌های دیجیتال با فیلترهای پیشرفته که بر اساس استانداردهای بین‌المللی و قوانین داخلی، موسیقی‌های مبتذل را شناسایی و محدود کنند.

۲. ترویج تولید و پخش موسیقی‌های با مضامین فرهنگی، اجتماعی و آموزشی، با حمایت از هنرمندان داخلی و بین‌المللی که از محتواهای مثبت و اخلاقی پیروی می‌کنند.

آزادی بیان، اقدامات خود را بر مبنای تعادل میان حمایت از آزادی‌های فردی و مقابله با محتوای مضر تنظیم کرده‌اند. این نهادها با توصیه به دولت‌ها در زمینه نظارت و کنترل بر محتوای رسانه‌ای، به‌ویژه موسیقی، کمک می‌کنند تا آثار منفی این نوع محتوا را کاهش دهند و در عین حال حقوق هنری و فرهنگی افراد را حفظ کنند. همچنین، کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی بر لزوم حفاظت از حقوق کودکان و نوجوانان در برابر محتوای آسیب‌زا تأکید دارند، که در این زمینه موسیقی‌های مبتذل می‌توانند تهدیدی جدی برای رشد اخلاقی و اجتماعی آنان باشند. در نهایت، با توجه به تأثیرات منفی موسیقی‌های مبتذل، ضرورت مداخله دولتی و بین‌المللی برای نظارت بر محتوای موسیقی و جلوگیری از نشر اینگونه آثار بیش از پیش احساس می‌شود. در کنار اقدامات قانونی و بین‌المللی، نهادهای فرهنگی و آموزشی باید با آموزش و ارتقای آگاهی عمومی نسبت به آثار مخرب این نوع موسیقی‌ها، به تقویت هنجارهای اجتماعی و فرهنگی کمک کنند.

پیشنهادات

پیشنهادات عملی:

۱. تصویب و اجرایی کردن قوانین بین‌المللی و ملی برای محدودسازی انتشار موسیقی‌های مبتذل و غیراخلاقی، به‌ویژه در رسانه‌های عمومی و پلتفرم‌های دیجیتال.

۲. راه‌اندازی برنامه‌های مشترک میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی برای نظارت و کنترل بر محتوای موسیقی منتشر شده در سطح جهانی.

۴- حبیب زاده، محمدجعفر؛ رحمانیان، حامد(۱۳۹۰)، هرزه نگاری در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۶، صص ۱۲۱-۸۹

۵- رستم پور، فخرالدین(۱۳۹۶)، حق آزادی بیان در نظام بین المللی حقوق بشر، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، صص ۱۸-۳

۶- عمارلو، مرتضی(۱۴۰۲)، محدودیت‌های آزادی بیان از نگاه حقوق اسلامی و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر، فصلنامه حقوق جزای بین الملل، دوره ۱، شماره ۴، صص ۷۷-۷۱

۷- محمدی، اقبال(۱۳۹۲)، عامل شناسی فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد

۸- مهدوی، محمود؛ روح الهی، محمد؛ مروتی، سیدمهییار(۱۴۰۲)، تحلیل جرم شناختی تاثیر موسیقی خشن بر افزایش حالت خطرناک و رفتار خشونت آمیز، مجله علمی حقوق و مطالعات نوین، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۴-۹

۹- میرشمس شهشهانی، سهیلا؛ طباطبایی، آسیه السادات؛ امینیان، احسان(۱۳۹۷)، بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در موسیقی رپ فارسی، مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۵

10-<https://ana.ir/fa/amp/news/892121>

۳. برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای مشترک میان کارشناسان حقوقی، فرهنگی و هنری در سطح بین‌المللی و ملی برای ارتقاء آگاهی در زمینه آثار اجتماعی و فرهنگی موسیقی‌ها.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

۱- امینیان، حسن(۱۴۰۳)، نقد و بررسی تولید آثار موسیقی از منظر حقوق ایران، اولین کنفرانس بین المللی انقلاب علوم انسانی اسلامی، صص ۲۰-۱

۲- آقائی، سارا(۱۳۹۶)، رسانه و جرم از منظر جرم شناسی فرهنگی، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۵-۱

۳- بنائیان، الناز(۱۴۰۱)، بررسی دلایل گرایش نوجوانان به خشونت کلامی موجود در موسیقی رپ فارسی، دهمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، صص ۳۰-۱